

« فذلک الذی یدع الیتیم »

عنوان بحث: « فذلک »: بیان مظاهر تکذیب دین

با توجه به این که حرف «فاء» به معنای «بنابراین – در نتیجه» است از تعبیر « فذلک » می توان استنباط کرد که:

الف) کسانی که دین را تکذیب می کنند آنانی هستند که ایتام و مساکین را در عرصه ی زندگی خود نمی پذیرند و این عدم پذیرش در همه مراتب حیات انسانی از احساسات قلبی درونی گرفته تا برخوردهای ظاهری و بیرونی همه را شامل می شود و البته این خصوصیت در میان مدّعیان دینداری و نماگزاران ظاهربین نیز قابل مشاهده است.

ب) راندن یتیم و عدم تحریض به اطعام مساکین خود از مظاهر تکذیب دین است. نقل است از امام رضا علیه السلام که: «از بخل بپرهیزید که ... و در انسان آزاد و مؤمن یافت نمی شود بخل با ایمان ناسازگار است.»^۱

و آیه شریفه: «و اذا قیل لهم انفقوا مما رزقکم ا... قال الذین کفروا للذین امنوا انطعم من لو یشاء ا... اطعمه ان انتم الا فی ضلال مبین»^۲ بر این معنا دلالت دارد.

با توجه به مضمون کلام الهی در سوره ماعون می توان گفت: غفلت و ریا در نماز و ممانعت از بذل خیرات نیز ظهوری دیگر از تکذیب دین است. چنانکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ریا را شرک اصغر نامید.^۳

توجه: همان امری که منشاء تکذیب دین است منشاء راندن یتیم و عدم تحریض بر اطعام مساکین نیز هست و اصولاً نمی توان این دو مقوله را از هم جدا دانست.

پی نوشت:

(۱) بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۶

(۲) سوره یس، آیه ۴۷

(۳) ان اخوف ما اخاف علیکم الشرک الا صغر؟ قالوا: وما الشرک الا صغر؟ قال الریاء (پیامبر (ص) - میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷)

عنوان بحث: «الذی یدع»: معنا، مراتب و مصادیق

«یدع» به معنای «می راند- طرد می کند»^۱ می تواند حرکتی ظاهری و علنی باشد یعنی، انسان ایتام را در ملاء عام از خود براند. چنانکه آیه شریفه «فاما الیتیم فلا تقهر»^۲ نیز به این نحوه برخورد اشاره می فرماید.

همچنین طرد کردن ایتام می تواند به صورت حالتی درونی و قلبی ظهور یابد یعنی آدمی حتی در قلب و فکر و خیال خود نیز برای ایشان جایگاهی در نظر نگیرد و فقط در پی آمال و آرزوهای خود باشد.

این حالت درونی منشاء و ریشه ظهور علنی «یدع» است بدین معنی که عدم پذیرش قلبی نقطه آغاز طرد و راندن ایتام است.

ظهور این پدیده غیر انسانی به صورت علنی یا غیر علنی و برای افراد در درجات و مقام های مختلف عواقب متفاوتی به دنبال دارد.

در مقام اولیاء و انبیاء الهی ظهور گذرای چنین احساسی در قلب نیز می تواند مستوجب عتاب و عقاب باشد در حالی که ممکن است در مقام انسان های معمولی تا زمانی که به صورت علنی بروز نکرده مورد مؤاخذه واقع نشود.

در مقابل «یدع» می توان حالت استقبال و پذیرش را در نظر آورد که در ظاهر به صورت ابراز محبت و رسیدگی مادی و عاطفی بروز می کند و چاره اندیشی

برای مشکلات ایتام و حتی آرزوی رهایی محرومان و یتیمان از بند محرومیت و گرفتاری نیز از مصادیق این احساس انسانی و پسندیده محسوب می شود. از تعبیر «یدع» می توان این طور برداشت کرد که نیاز یتیم بیشتر جنبه عاطفی دارد تا مادی.

نقل است از پیامبر (ص) که فرمود: «در بهشت سرایی است که به آن شادی سرا گرفته می شود و تنها کسی وارد آن می شود که ایتام مؤمنان را شاد سازد.»^۳ البته این نیاز عاطفی به ایتام اختصاص ندارد. بلکه آنچه در مورد کودکان و شیوه های تربیتی آنان باید مورد توجه قرار گیرد جلب اعتماد عاطفی و تأمین نیازهای احساسی ایشان است که با پذیرش و استقبال محبت آمیز از خواسته های آنها صورت می پذیرد. چنانکه در برخوردها می بینیم.

اگر ابتدائاً تقاضای کودک را نپذیریم و پس از مدتی درصدد اجابت خواسته هایش برآئیم او دیگر نمی پذیرد گوئی فقط حالت پذیرش ما برای او ارزشمند بوده است و نه دریافت آنچه که تقاضا نموده است.

سخن پیامبر اکرم (ص) که «کودک در هفت سال اول زندگی آقا و فرمانرواست...»^۴ نیز در بیان همین نیاز اساسی است. که کودکان را در هفت سال اول زندگی سید و آقا معرفی می نماید، و بدین ترتیب امر به اجابت خواسته های ایشان می دهد.

از مجموع آیاتی که بیانگر حقوق ایتام در زمینه های مختلف: ارث، ازدواج و... است^۵ و آیاتی که به تکریم ایشان توصیه دارد.^۶ چنین برمی آید که تأمین نیازهای مادی یتیمان که حق مسلم آنها است باید با تأمین نیازهای عاطفی و تکریم همراه باشد.

پی نوشت :

(۱) مفردات راغب، ص ۱۶۹

(۲) سوره ضحی، آیه ۹

(۳) میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۱۶۰

(۴) میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۶

(۵) سوره نساء، آیه ۶ و سوره انعام، آیه ۱۵۲

(۶) سوره فجر، آیه ۱۷ و سوره ضحی، آیه ۹

عنوان بحث: « الیتیم »: معنا، حقیقت و مصادیق

یکی از علل وجود تفاوتها و اختلاف بین انسان ها، پرورش استعدادهای بالقوه ی انسان و ظهور صفات انسانی است.^۱

انسان وقتی در جامعه با ایتم و مساکین برخورد می کند، با جوشش عواطف انسانی و صفات خدائی رحمت، جود و سخاوت در درون خود مواجه می شود و بدین ترتیب وجود تفاوت در بین اقشار مختلف اجتماع برای آدمی حجتی است تا جوهره ی انسانی و کمالات اخلاقی خود را بروز داده، بتواند چهره حقیقی انسان به خود گرفته و عروج و سلوک الی ... را در پیش بگیرد. زیرا انسان آنگاه می تواند عروج نموده، به مراتب عالی وجود نائل شود که گوهر انسانیت را در خود یافته، آن را بارور نماید.

با توجه به بازگشت نهایی اعمال و نتایج آن به انسان در نشئه ی آخرت در می یابیم که: دعوت انسان به انجام اعمال صالح برای رفع نیاز خود اوست. مولا علی علیه السلام می فرمایند: «احسان کن تا به تو احسان شود و رحم کن تا مورد رحم قرار گیری ...»^۲

به عبارت دیگر ما خود نیازمند حقیقی هستیم و فقر ما به علت محرومیت از ثروتها و سرمایه های انسانی است. و اشراف آخرت آنها هستند که از کمالات و فضائل انسانی دستمایه ای دارند .

بنابراین باید در احوالات خود توجه کنیم و دریابیم که آیا جز خود و آرزوهایمان دغدغه دیگری داریم یا نه؟ که خودبینی همیشه با خدابینی در مقابله است. همچنین اگر می خواهیم در عالم باقی در زمره ی نیک بختان باشیم باید از طریق احسان و نودوستی صفات انسانی را که به صورت بالقوه در وجودمان به ودیعه نهاده شده به فعلیت برسانیم تا بتوانیم به اندازه ظهور این کمالات از نعمات اخروی برخوردار باشیم .

نداشتن پدر معنوی یا مربی الهی یکی دیگر از ابعاد «یتیم» و از مصادیق «یتیم حقیقی» است.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: « از یتیمی کسی که پدرش را از دست داده سخت تر، یتیمی است که از امام خود بریده شده، و توان دسترسی به او را ندارد و حکم مسایل دینی مورد ابتلائش را نمی داند. بدانید که هر کس از شیعیان ما به علوم ما آگاه باشد این شخص که به شریعت ما آگاه نیست و دسترسی به ما ندارد یتیمی است در دامن او...»^۳

لازم به تذکر است که «یَدْع» در مورد این دسته از ایتم به معنای عدم سعی و تلاش در جهت تعلیم و هدایت انسان است رسول مکرم اسلام (ص) در ادامه حدیثی که نقل شد، پاداش کسانی را که ایتم معنوی را تحت سرپرستی خود گرفته به تأمین نیازهای فرهنگی و تربیتی ایشان اهتمام می ورزند چنین بیان می فرمایند: «... بدانید که هر کس او را هدایت و ارشاد کند و شریعت و احکام ما را به او بیاموزد در جمع بهشتیان برین با ما خواهد بود.»^۴

از آنجا که تمامی آیات طبیعی نمایانگر حقیقتی مربوط به عوالم بالاتر هستند چهره یتیم در بعد مادی و اجتماعی نیز آیتی است از یتیمی حقیقی در عالمی دیگر.

بدین معنا که با مشاهده ایتم در جامعه، حسّ نیاز به داشتن سرپرست و حامی برای حیات ابدی در وجود انسان زنده می شود و به دنبال بروز این احساس، آدمی برای محروم نشدن از سرپرست اخروی به تلاش می پردازد که صادق آل محمد (صلوات ... علیه) فرمود: «هیچکس از اولین و آخرین انسانها نیست مگر آنکه که به شفاعت محمد (صص) در روز قیامت نیاز دارد.»^۵

پی نوشت:

۱)سوره نحل ، آیه ۷۱

۲) روضة الواعظین

۳)میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۱۶۴

۴) همان

۵) بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۲